



جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۴۰۱، دوره ۴، شماره ۴، صص ۹۹-۸۹

## ارزیابی و تحلیل حقوقی و کیفری تجاوز به عنف در ایران

میثم احمدی لاشکی

*mhmdajzashokohi@gmail.com*

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه غیر انتفاعی طبرستان چالوس.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

### چکیده

در قانون جمهوری اسلامی ایران در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مجازات تجاوز به عنف اعدام است از عوامل اجتماعی می توان به افزایش سن ازدواج، دیدن فیلم های خشن جنسی، تقلید از گروه های خاص اشاره کرد. اما روانشناسان از اختلالات جنسی تحت عنوان «تابهنجاری های جنسی» یاد می کنند. این نابهنجاری ها انحرافهایی هستند که جاذبه ی جنسی فرد را در برمی گیرند. مبتلایان به این نوع اختلال ها به اندازه ای به هدف مبل وابسته اند که فقط در صورت وجود آنها می توانند ارضای جنسی را تجربه کنند وجود قوانین ناکارآمد، ناقص و کلی در خصوص این موضوع مهم موجب ایجاد سردرگمی در میان قضات و تفاسیر سلیقه ای شده است، پرداختن به شیوه ی اثبات تجاوز به عنف، سبب شده تا دادگاهها و مراجع عالی قضایی به بیراهه رفته و با حمایت افراطی از حقوق متهم، بسبب تضییع حقوق بزه دیده را به راحتی فراهم آورند. بی توجهی به حقوق جنسی افراد در جامعه و نپرداختن به آن در سطح رسانه ها باعث شده تا افراد از حقوقی که در زمینه ی امور جنسی دارند مطلع نباشند، مجازات های سخت و بی تناسب در قبال زنا ی به عنف سبب شده تا دادگاه ها به دلیل متناسب ندانستن این مجازات ها با عمل ارتكابی در پیشگاه وجدان خویش، خود را مسئول دانسته و به هر بهانه ای از انتساب بزه به متهم خودداری ورزند. در عوض تعیین مجازاتهای سبک برای برخی جرائم خشن جنسی سبب تجری بزهکاران و تشویق آنان به ارتكاب مجدد جرم گردید. نبود مجازات برای اعمال بسیار شنیع جنسی، ضعف و ناکارآمدی قوانین ایران را در این زمینه دو چندان کرده است تحقیق از نوع پژوهش تحلیلی توصیفی است. که ضمن استفاده از متون و نظریات با استفاده از تحقیق اینترنتی و کتابخانه ای مورد بررسی قرار گرفت نتایج حاکی از آن شد که تفاوت معناداری در نظام های حقوقی و کیفری ایران با کشورهای دیگر وجود دارد.

واژگان کلیدی: تجاوز به عنف، عنصر مادی، عنصر قانونی، عنصر روانی،

## مقدمه

جرم شناسی علمی است که به بررسی و مطالعه عوامل جرم زا می پردازد. در حقیقت این شاخه از علوم جنایی علل و عوامل مختلفی را که می توانند در تکوین یک جرم نقش داشته باشند به چالش کشیده و از طریق این علت شناسی می کوشد تا راهکاری ارائه دهد که آنها را از میان بردارد و یا به حداقل برساند؛ به عبارت دیگر به جای مرهم نهادن سطحی تلاش می کند تا با باز کردن زخم و نابود کردن علت، معلول را از بین ببرد. بدین ترتیب می توان گفت هر عاملی که در ایجاد جرم نقش داشته باشد، در حوزه فعالیت های جرم شناسی قرار دارد. از میان عوامل مختلفی که در وقوع جرم نقش دارند، عامل اجتماعی گستره وسیعی از عوامل را در بر می گیرند که بررسی آنها تلاش و دقتی چند جانبه می طلبد. بررسی این عوامل در مورد جرم جنسی و خاصه تجاوز به عنف از اهمیت بالایی برخوردار است (متانکایی ۱۳۹۰: ۲۴). تجاوز به عنف برقراری رابطه جنسی با فرد از طریق اعمال قهر و غلبه و بدون رضایت وی است. در نظام حقوقی ایران وفق بند «ت» ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کیفر این عمل مجرمانه، اعدام مرتکب بوده و قربانی تجاوز با لحاظ احکام قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مستحق حمایت های قانونی است. طبق قانون اخیر، دستگاه قضایی باید بزه دیده را مورد حمایت قرار دهد و دادسرا به عنوان نهاد تحقیق علاوه بر فعالیت جهت رسیدگی و گردآوری دلایل، به خواسته های قانونی وی پاسخ مناسب دهد. دادگاه ها نیز باید در صدور احکام کیفری به آثار فردی، روانی و اجتماعی رأی، به ویژه تشفی خاطر بزه دیده و جبران ضرر و زیان وی توجه ویژه کنند و حکم کیفری در مدت معقول اجرا شود. در عین حال، افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل بزه دیده ممنوع است (کلیمانی ۱۳۹۷: ۳۲).

در قانون جزایی کشور هاء اعمال خشونت و تعرضات علیه اشخاص، قطع نظر از جنسیت بزه دیده با مجنی علیه قابل مجازات دانسته شده و حمایت خاصی از زوجه در قبال جرایم خشونت بار در خانواده به عمل نیامده است. رابطه جنسی به عنف از سوی زوج در قوانین ابران جرم محسوب نمی شود و به آسیب روحی و جسمانی زوجه و اهانت به کرامت وی به هیچ عنوان توجه نشده است، خشونت جنسی علیه زوجه هرگونه رفتار با هدف کسب لذت جنسی و بدون رضایت زوجه است که محدوده آن لمس کردن بدن وی تا مقاربت به عنف را شامل می شود، آنچه سبب اطلاق عنوان خشونت جنسی به چنین اعمالی می شود، فقدان رضایت زوجه است که در نتیجه آن، زوج به زور متوسل می شود. به بیان دیگر، هرگونه بدرفتاری و خشونت که محور مرکزی آن موضوعات جنسی باشد، از مصادیق بزه دیدگی جنسی زوجه در خانواده محسوب می شوند. علی رغم اینکه قانونگذار بزه زنای به عنف را بر طبق بند ت ماده ۲۲۶ جرم انگاری کرده و حتی مجازات مرتکب

را از حد تازیانه به حد قتل تشدید نموده است (عظیم زاده اردبیلی و ریاضت ۱۳۹۴: ۴۴). به طوری که، در قانون جمهوری اسلامی ایران در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مجازات تجاوز به عنف اعدام است از عوامل اجتماعی می توان به افزایش سن ازدواج، دیدن فیلم های خشن جنسی، تقلید از گروه های خاص اشاره کرد. اما روانشناسان از اختلالات جنسی تحت عنوان «تابهنجاری های جنسی» یاد می کنند. این نابهنجاری ها انحرافهایی هستند که جاذبه ی جنسی فرد را در برمی گیرند. مبتلایان به این نوع اختلال ها به اندازه ای به هدف مبل وابسته اند که فقط در صورت وجود آنها می توانند ارضای جنسی را تجربه کنند وجود قوانین ناکارآمد، ناقص و کلی در خصوص این موضوع مهم موجب ایجاد سردرگمی در میان قضات و تفسیر سلیقه ای شده است، پرداختن به شیوه ی اثبات تجاوز به عنف، سبب شده تا دادگاهها و مراجع عالی قضایی به بیراهه رفته و با حمایت افراطی از حقوق متهم، بسبب تضییع حقوق بزه دیده را به راحتی فراهم آورند. بی توجهی به حقوق جنسی افراد در جامعه و پرداختن به آن در سطح رسانه ها باعث شده تا افراد از حقوقی که در زمینه ی امور جنسی دارند مطلع نباشند، مجازات های سخت و بی تناسب در قبال زنانی که به عنف سبب شده تا دادگاه ها به دلیل متناسب ندانستن این مجازات ها با عمل ارتكابی در پیشگاه وجدان خویش، خود را مسئول دانسته و به هر بهانه ای از انتساب بزه به متهم خودداری ورزند. در عوض تعیین مجازاتهای سبک برای برخی جرائم خشن جنسی سبب تجری بزهکاران و تشویق آنان به ارتكاب مجدد جرم گردید. نبود مجازات برای اعمال بسیار شنیع جنسی، ضعف و ناکارآمدی قوانین ایران را در این زمینه دو چندان کرده است (رضایی ۱۳۹۶: ۲۷).

#### مبانی

تجاوز جنسی معادل کلمه **Rap** مرکب از دو واژه ی تجاوز و «جنسی» است. تجاوز در لغت به معنای ستم و تعدی میباشد. بر این اساس اصلی ترین بار معنایی که واژه ی تجاوز به همراه دارد، عنصر نارضایتی فرد متجاوز است. چرا که اگر چه در ابتدا از واژه ی تجاوز، اجار و قهر و غلبه متبادر به ذهن میشود. لیکن، در واقع منحصر به قهر و غلبه نیست. هر نوع اجباری که نا رضایتی فرد مورد تجاوز را به همراه دارد، خواه این تجاوز از طریق اجبار و قهر و غلبه به وقوع بپیوندد، خواه از طرق دیگری چون فریب و تهدید با سوء استفاده از عدم هوشیاری فرد باشد. قید جنسی که با اضافه شدن به واژه تجاوز بار معنایی خاصی را در بر دارد، مربوط به کلیه ی اعمالی است که به جنسیت یعنی مرد یا زن بودن و وجه تمایز بارز آن اندام تناسلی، ارتباط می یابد. در اینجا مفهوم جنسی برمیگردد به تمایل شدیدی که به نام شهوت خوانده میشود. در واقع با اضافه کردن قید جنسی به تجاوز، حیطه ی رفتارهای انسان مقید و منحصر به اعمال خلاف جنسی میشود که به درجه ی حادی رسیده است که تجاوز خوانده میشود؟ (نریمان فاخری ۱۳۹۷: ۳۴).

## مفهوم لغوی

معادل کلمه لاتین **violence** به معنای "خشونت و زور" آمده است. دکتر جعفری لنگرودی عناصر عنف را جنین در کرده است: الف- فعل از اعضا و جوارح و بر انسان دیگری واقع شود ب- مشتول به رضایت نداشته باشد. بر این اساس اظهار واکنش مادی از سری مشعول به شرم نیست وی اگر چه تدافع و مانع مفعول به (مقاومت) را شرمط تجید اند، اما معتقد است مجنی علیه باید شایستگی اظهار کراهت را داشته باشد و ازین رو جماع با ناتم (شخص خواب) را جماع به عنف محسوب نمی کند. آنچه از عبارت عنف برداشت میشود، قهر و خلیه است که لازمه ی آن اظهار کراهت و مقاومت از سری بزه دیده میباشد. پس اگر تنها زنای به عن مضمول حد قتل باشد، مواردی مانند خواب یا بیهوشی بزه دیده داخل در زتا مستوجب قتل نخواهد بود. "اکراه" نیز که در ماده ۲۲۴ مود اشاره قرار گرفته، معنایی متفاوت از عن دارد. در اکراه شخص به امر ناخوشایندی بیم داده و تهدید میشود، و از ترس تهدید تن به انجام کاری میدهد که خوشایند او نیست. پس در اکراه قصد فعل وجود دارد، اما به جهت تهدید، اختیار سلب میشود. با این اوصاف در زنان تراه اگر چه عن وجود ندارد و زن بدون مقاومت تسلیم میشود اما به جهت تهدید به قتل افشای سر با موارد دیگر، تن به زنا می دهد (نریمان فاختری ۱۳۹۷: ۳۴).

## مفهوم حقوقی عنف

در اصطلاح حقوقی، عنف عنوانی است برای جرایمی که توأم با آزار و اعمال و رفتار خشن و غالباً با سلب اراده و علی رغم مقاومت بزه دیده و به ضرر او ارتکاب می یابند. اعمال عنف در رفتار، به خودی خود جرم نیست، مگر اینکه منتهی به جرمی شود یا توأم با ارتکاب جرمی باشد برای تبیین مفهوم عنف، ناگزیر باید به مفهوم رضایت پرداخت؛ به عبارت دیگر نخست باید مشخص نمود رضایت بزه دیده چه مفهوم و جایگاهی دارد و در چه صورت عدم آن، منجر به تحقق مفهوم عنف می گردد. رضایت در جرایم به معنای تمایل و موافقت قلبی بزه دیده است بر اینکه تعرضی بر خلاف قانون علیه حقوق و آزادی های او انجام رضایتی که مانع از شکل گیری مفهوم عنف در جرایم می شود، باید مبتنی بر اراده عاری از عیب از سوی شخصی باشد که توانایی داشتن اراده را داراست.

بزه دیده باید اولاً قابلیت دارا بودن رضایت و اراده را داشته باشد؛ لذا رضایت در اشخاص فاقد اراده معنا ندارد و اگر به هر طریقی اراده از بزه دیده سلب شود

وقوع عتف مستلزم انجام فعلی از سوی مرتکب است که این فعل بر روی شخص با یک شیء (موضوع جرم) واقع می شود بنابراین منشأ عتف، عامل انسانی است. علاوه بر آن، مفهوم عتف اشاره به فعلی دارد که عامل آنه یعنی با آگاهی و قصد نسبت به یک شخص یا شیء انجام شده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۶۷) از این رو تمام جرایمی که عتف در آنها به کار می رود، جرایم عمدی اند و وقوع عتف در جرایم غیر عمد ممکن نیست

آنچه از آن به عنوان عنصر اساسی عتف می توان نام برد، فقدان اراده یا فقدان رضایت در بزه دیده است. این فقدان اراده و رضایت به دو صورت تحقق پیدا می نماید ایجاد و وجودی، غالباً اعمال عتف از سوی مرتکب جرم، با سلب اراده از فردی که عتف نسبت به او اعمال شده (بزه دیده همراه است؛ یعنی مرتکب این فقدان اراده و عدم رضایت را ایجاد می نماید. در واقع مرتکب با فائق آمدن بر اراده بزه دیده با فشار و زور می تواند مرتکب جرم علیه وی شود. فقدان اراده در بزه دیده گاه ناشی از این است که مرتکب بر قدرت مجنی علیه فائق می آید و توانایی بزه دیده و تسلط وی بر تمامیت جسمانی خویش را از بین می برد. در این صورت اقدامات مادی مرتکب مثل ضرب و جرح، قدرت او داد پیاده بر اعضای بادن خویش را سلب می کند و بزه دیده امکان مقاومت در برابر مرتکب را نداشته و اراده وی از بین می رود. گاهی هم فقدان اراده در بزه دیده ناشی از قرار گرفتن او در وضعیت هایی است که در آنها امکان صدور فعل ارادی از سوی او وجود ندارد. مصداق آن، زمانی است که مرتکب با اقداماتی بزه دیده را در حالات عدم هشیاری نظیر خواب، بیهوشی، مستی و امثال آن به درجه ای که اراده فرد را سلب نماید - قرار دهد تا بتواند مرتکب جرم علیه او شود؛ مانند اینکه با خوراندن داروی خواب آور یا بیهوشی با مواد مست کنتاده، روان گردان با استفاده از هیپنوتیزم و غیره، اراده وی را سلب نموده و مانع مقاومت او در برابر جرم ارتكابی گردد (برهانی و داد جو ۱۳۹۶: ۲۴).

### عناصر تجاوز به عتف

برای آنکه عملی تحت عنوان تجاوز به عتف مورد پیگرد قرار گیرد وجود عناصر سه گانه قانونی، مادی و روانی لازم است. به این معنا که اولاً چنین عملی در متون قانونی مقرر شده باشد و به عبارتی جرم انگاری شده باشد، ثانیاً عمل مجرمانه در قالب فعل یا ترک فعل و با وجود شرایط و اوضاع احوال خاص آن به منصفه ظهور برسد و ثالثاً فرد مجرم این عمل را با اراده آزاد و با علم به جرم انگاری توسط قانون گذار مرتکب شده باشد؛ و لذا در این مبحث به تحلیل عناصر سه گانه جرم تجاوز به عتف پرداخته می شود.

## عنصر قانونی

عنصر قانونی به این معناست که عمل مجرمانه باید به تعیین و تعریف قانون باشد. این عنصر بیان کننده اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که مهمترین هدف آن حکومت قانون برای تضمین احترام به آزادیهای فردی و رعایت مصالح اجتماعی است، به موجب این اصل است که میتوان گفت هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه قانون آن را جرم بشناسد و اعمال هیچ مجازاتی ممکن نخواهد بود مگر اینکه قانون آن را اجازه داده باشد (نوربها، ۱۳۸۹، ص ۴۷)؛ بنابراین رکن قانونی به معنای تعیین وصف مجرمانه و همچنین مجازات رفتار مجرمانه در قانون که پیش از وقوع جرم لازم الاتباع بوده است می باشد. (شمس ناتری، ۱۳۹۳، ص ۲۲). با این توضیحات رکن قانونی جرم تجاوز به عنف به تبع تعریفی که فقها در کتب فقهی خود نسبت به جرم تجاوز به عنف ارائه داده اند در بندت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با عبارت «زنای به عنف با اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.» و تبصره ۲ ماده مذکور که بیان داشته «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا به عنف است، در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و با ترساندن زن اگر چه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.» جرم انگاری شده است با بررسی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و دیگر قوانین کیفری پی می بریم که به جز این ماده که موضوع تجاوز به عنف را جرم انگاری نموده است تعریف دیگری از این جرم در قوانین کیفری ایران وجود ندارد، بنابراین عنصر قانونی این جرم تماما در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بعنوان قانون مادر در زمینه حقوق کیفری موجود میباشد. گرچه قانون گذار این جرم انگاری را بیان داشته است لیکن بیانی است ناقص و پر ابهام که قطعاً برخلاف اصول اساسی قانون نویسی بیان داشته شده و در نتیجه منجر به اخذ تصمیمات متفاوت در محاکم میشود و این خود یعنی نقض اصل کیفی بودن قوانین کیفری است که می طلبد قانونگذار اقدام به تعریف منسجم و روشن تری از این جرم بنماید تا هم اصل برابری مردم در برابر تصمیمات یکسان محاکم رعایت گردد و هم اینکه موجب دردسر و آشفتگی در دستگاه عدالت کیفری نگردد (عزیز آباد و همکاران ۱۳۹۸: ۳۶).

## عنصر مادی

رکن مادی جرم به این معناست که وجود یک واقعی مادی یا تظاهر خارجی اراده برای مسئولیت مرتکب نیاز است به عبارتی توصیف قانون گذار از یک جرم برای تحقق آن باید با تمامی شرایط و قیود وارده بر آن در عالم واقع ظاهر گردد، بنابراین در ذیل این مبحث به تبعیت از تقسوندی جدیدی که از عنصر مادی امروزه

باب شده است و در بعضی از قوانین کشورها نیز به صراحت بیان شده است استفاده میشود به این معنی که عنصر مادی جرم متشکل از سه قسمت متفاوت رفتار فیزیکی (فعل یا ترک فعل) شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه رفتار ارتكایی است. در ذیل، این سه اجزاء از عنصر مادی نسبت به جرم تجاوز به عنف مورد بررسی قرار می گیرد.

### عنصر روانی

عنصر روانی در جرائم عمد و غیر عمد متفاوت است، از آنجاکه جرم تجاوز به عنف از جمله جرائم عمدی محسوب می شود بنابراین شخص متجاوز در صورتی به اتهام تجاوز به عنف محاکمه می شود که نه تنها به جرم بودن عمل آگاه باشد بلکه قصد و نیت وی نادیده گرفتن نواهی قانون گذار (در اینجا نهی از تجاوز به زنان) باشد

این شرط را قانون گذار در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به این نحو بیان نموده است که در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. حال سوال این است که چه کسانی می توانند نسبت به اوامر و نواهی قانون گذار آگاه فرض شوند؟ و اینکه آیا در حقوق کیفری ایران به مانند قوانین سایر کشورهای جهان صرف اثبات آگاهی وی به جرم تجاوز و قصد وی بر انجام تجاوز برای صدور حکم به تجاوز به عنف کافی است؟

باید گفت که در حقوق کیفری ایران شخصی مسئول است و به تبع آن مجبور به تحمل مجازات می شود که به موجب ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی در حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ و مختار باشد، بنابراین برای اینکه بتوان شخصی را به اتهام تجاوز به عنف تحت پیگرد قانونی قرارداد باید این سه فاکتور (عقل و بلوغ و اختیار) در وی موجود باشد. حال با توجه به این ماده باید دید که چه افرادی فاقد فاکتورهای مسئولیت کیفری هستند و در نتیجه امکان محکومیت آنها به تجاوز به عنف وجود ندارد.

قانون گذار در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان داشته است که تابالغ مسئولیت کیفری ندارد» و در ماده ۱۴۷ بیان داشته که سن بلوغ در پسران ۱۵ سال تمام قمری است؛ بنابراین فردی که سن وی کمتر از ۱۵ سال قمری میباشد در صورتی که مرتکب زنا یا بدون رضایت با زنی شود امکان محکومیت وی به جرم تجاوز به عنف وجود ندارد، بلکه صرفاً بر اساس ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی اقدامات تأمینی و تربیتی در مورد وی اعمال می شوند. همچنین به موجب ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی «هر گاه مرتکب در زمان ارتکاب

جرم دچار اختلال روانی بوده بنحوی که فاقد اراده با قوه تمیز باشد مجنون محسوب و مسئولیت کیفری ندارد» بنابراین شخص دیوانه به دلیل فقدان اراده و در نتیجه عدم آگاهی نسبت به جرم تجاوز و نداشتن قصد در فعل خود چنانچه مرتکب زنا یا به عنف گردد نمی توان وی را متجاوز محسوب و در نتیجه عواقب جرم تجاوز (اعدام) را بر وی تحمیل نمود (عزیز آبادی و همکاران ۱۳۹۸: ۳۴).

### نحوه اثبات تجاوز به عنف

#### اقرار و شهادت

اقرار خبر دادن قطعی است به حقی لازم یا چیزی که حق با حکمی را به دنبال دارد به ضرر خیر دهنده یا نفی حق لازم یا چیزی که حق یا حکمی را در پی دارد به ضرر مخیر برای غیر. "به جز برخی جرائم حالی، همچون زنا، لواط و مساحقه که با چهار بار و قوادی، قذف، مسکر و سرقت که با دو بار اثبات می شوند؛ تمامی جرایم با یک بار اقرار ثابت می شوند. در مورد اقرار بر زنا، مشهور فقهای امامیه معتقدند که با چهار بار اقرار ثابت می شود

#### علم قاضی

از آن جایی که آثار تفکیک شیوه اثبات زنا و تجاوز به عنف، در حجیت نداشتن علم قاضی در زنان بیشتر نمود خواهد داشت، در این جا به بحث علم قاضی با تفصیل بیشتری پرداخته می شود. در مورد حجیت علم قاضی بین فقها مشهور اجماع است که امام معصوم (ع) می تواند به استناد علم شخصی خود حکم کند، ولی نسبت به قاضی غیر معصوم در حق الله و حق الناس اختلاف نظر وجود دارد. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، صص ۲۱۸ - ۲۱۹) قانون مجازات اسلامی به تبعیت از مشهور، علم قاضی را در حق الناس و حق الله دارای حجیت می داند (ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی) و نیز علم او را علمی می داند که از طرق متعارف حاصل شده باشد (ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی)

به نظر می رسد که با پذیرش علم متعارف قاضی می توان شیوه های جدید کشف و اثبات جرم را که با استفاده از علومی مثل، پزشکی قانونی، پلیس علمی، عکسبرداری جنایی و شیوه هایی چون آزمایش DNA از خون، اثر انگشت و نظایر آنها ابداع گشته اند را وارد حقوق جزای اسلامی کرد که البته باید حدود و ثغور متعارف بودن آن مشخص شده و قاضی مکلف به ذکر مستند علم خود باشد. (توجهی و توکل پور ۱۳۹۰: ۱۱۸).



## تحلیل نظام دادرسی تجاوز به عنف

قربانیان تجاوز حتما باید لباس خود، هنگام وقوع تجاوز را به همراه خود داشته باشند تا شناسایی راحت تر صورت گیرد، اما شانس اثبات از طریق البسه ی آلوده هم کم است زیرا قربانی نخست باید ثابت کند که لباس ها متعلق به خود اوست، زیرا گفته میشود که ممکن است لباس ها متعلق به فرد دیگری باشد. همچنین است اگر اسپرم بر روی لباس قربانیان مانده باشد امکان تشخیص وجود دارد و در موارد دیگر احتمال تشخیص وجود دارد. "همیشه اینطور نیست که پزشکی قانونی بتواند وقوع تجاوز را قطعی و صد در صد تشخیص دهد؛ چرا که گاه به سبب فراوانی علائم پارگی و خون مردگی تشخیص این موضوع بسیار ساده، اما گاهی به علت نبود علائم مثبت تقریبا غیر ممکن است قربانیان این جرم باید بلافاصله به پزشکی قانونی مراجعه کنند. در مواردی تا ۳ روز، گاه تا ۵ روز، میتوان "نمونه گیری" از داخل واژن و مقعد را انجام داد اما ترجیحا تا ۷۲ ساعت فرد باید به پزشکی قانونی مراجعه کند. در غیر این صورت ممکن است دیگر آثار آن مشخص نباشد. در صورت از بین رفتن بکارت گاه با مرور زمان ۳ هفته هم میتوان این موضوع را تشخیص داد. همان طور که مبینیم فرصت پیش بینی شده برای مراجعه به مرکز پزشکی قانونی برای بزه دیده ای که بار روانی شدیدی را همراه با بار جسمی متحمل میشود بسیار کم است. پزشکی قانونی در استان تهران به صورت ۲۶ ساعته کشیک دارد، این موضوعی است که بسیاری از ضابطان قضایی به آن واقف هستند، اما متأسفانه فرد شاکی را با تأخیر به پزشکی قانونی ارجاع می دهند، مثلا اگر تجاوز در شب اتفاق افتاده باشد، از او می خواهند فردا صبح مراجعه کند، در صورتی که مورد تجاوز جنسی، تنها مورد اورژانسی است که در پزشکی قانونی باید به آن رسیدگی شود. در مورد شکایت های دیگر مثل نزاع یا تصادف، فردای وقوع حادثه نیز امکان رسیدگی وجود دارد، اما در این مورد خاص چون "نمونه گیری از اهمیت بسیاری برخوردار است، تا فرد آزار دیده بتواند ادعای خود را اثبات کند، مقوله ی زمان از اهمیت بسیاری برخوردار است. متأسفانه بسیاری از افراد، حتی ضابطان قضایی، از اهمیت زمان در این باره اطلاع ندارند. مهم تر از اثبات جرم، موضوع جلوگیری از بارداری است. اگر خانمی با تأخیر به پزشکی قانونی مراجعه کند، راهی برای جلوگیری از بارداری ناشی از تجاوز وجود نخواهد داشت، اما اگر فرد در پنج روز اول و ترجیحا در ۲۶ ساعت اول مراجعه کند، با بهره گیری از روش های پزشکی، ۹۹ درصد، احتمال بارداری ناشی از تجاوز، کاهش می یابد. متأسفانه وقتی خانم ها مورد تجاوز قرار می گیرند، اولین اقدام این است که خود را می شویند، این روش برای کاهش احتمال بارداری مناسب است، اما با این کار در واقع آثار جرم را هم از بین می برند، بنابراین سیستم باید به گونه ای باشد که به شکایت این افراد پیش از هر اقدامی، به صورت ویژه و در اسرع وقت، رسیدگی شود. البته ذکر این نکته

ضروری است که اگر آثار تجاوز روی لباس و ملافه ی قربانی باقی مانده باشد تا سال های متوالی دی ان ای متجاوز روی آن باقی میماند، حتی اگر شسته شود (نریمان فاخری ۱۳۹۸: ۸۷).

## بحث و نتیجه گیری

۱- قانون گذار ایران به جای توجه به واقعیات اجتماعی و فرهنگی امروزی دیدگاههای فقهی ادوار گذشته را در قبال جرم تجاوز به عنف پذیرفته است و بنابراین مقررات فعلی تا حدودی منطبق با شرایط کنونی فرهنگی و اجتماعی نیست.

۲- قانونگذار ایران واکنش اعدام را فارغ از نتایج منفی آن بصورت مطلق مورد پذیرش قرار داده است، چه طبق تحقیقات انجام گرفته هیچ گاه اعدام نتوانسته منجر به کاهش وقوع جرم در آینده گردد.

۳- قانونگذار ایران در بحث از جرم تجاوز به عنف مضیق ترین دیدگاه را مورد پذیرش قرار داده است از این جهت که اولاً این جرم را فقط از جانب مرد و علیه زن قابل مجازات داشته است، ثانیاً فقط رابطه جنسی به عنف و اکراه از طریق واژن و مقعد را مورد پذیرش قرار داده است؛ این در صورتی که است که امروزه اکثر قوانین کیفری تجاوز از طریق دهان را نیز در زیر مجموعی ا توجه به مباحث مطرح شده در این نوشته می توان نتایجی را به شرح ذیل استنباط کرد: تجاوز به عنف جرم انگاری نمود

۴- قانون گذار ایران تجاوز زناشویی را جرم انگاری نکرده است این در حالی است که تمامی عناصر این عمل منطبق بر تعریف جرم تجاوز به عنف است.

۵- قانون گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در یاب اثبات جرم تجاوز به عنف قدم مثبتی را برداشته و آن اعتبار دادن به علم قاضی در اثبات این جرم میباشند که بدون شک اگر همراه با مستندات متقن و روشن باشد اقدام قابل ستایشی است.

## منابع و ماخذ

عباسی کلیمانی، عاطفه. (۱۳۹۷). سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف. *فقه و حقوق خانواده* ۴۶-۳۱، (۶۸)، ۲۳،  
عظیم زاده اردبیلی، فائزه، ریاضت، زینب. (۱۳۹۴). سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم علیه زوجه در خانواده. *فقه و حقوق خانواده* ۶۷-۴۳، (۶۳)، ۲۰،

رضایی، رضا. (۱۳۹۶). بررسی جرم تجاوز به عنف از نگاه جرم شناسی. فصلنامه علمی کارآگاه-۳۷، ۱۱(۴۱)، ۴۹.

مهری متانکلایی، مریم. (۱۳۸۹). بررسی بزه تجاوز به عنف از نگاه جرم شناسی. فصلنامه علمی کارآگاه، ۱۳۷-۱۰۶، ۰۴(۱۲).

برهانی، محسن، دادجو، مهسا. (۱۳۹۶). مفهوم و جایگاه عنف در حقوق کیفری ایران. حقوق اسلامی، ۱۴(۵۳)، ۱۱۱-۱۴۷.

برهانی، محسن، دادجو، مهسا. (۱۳۹۸). مفهوم و جایگاه عنف در حقوق کیفری ایران. حقوق اسلامی، ۱۴(۵۳)، ۱۱۱-۱۴۷.

ن

صُفاری، علی، صابری، راضیه، ساداتی، سید محمد جواد، لکی، زینب. (۱۳۹۹). تأثیر متغیرهای اجتماعی و فردی بر میزان کیفرگرایی افکار عمومی (مطالعه میدانی در سه شهر تهران، مشهد و قم). پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۱(۲)، ۱۳۱-۱۶۵.

ز

استون و کریستین پیپر، سوزان. (۱۳۹۰). کیفرشناسی نوین و سیاست های تازه. فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم، ۲۳۰-۱۵۹، ۱۳۹۰(۲۱).

چلبی، ارژنگ. (۱۳۹۰). تحلیل حقوقی - جرم‌شناختی تجاوز به عنف. آموزه های حقوق کیفری-۱۹۹، ۸(۲)، ۲۲۰!

ک

ب

ر

،

ع

ا

ل

ی

پ

و